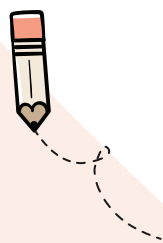


سال‌های اول تدریس
شهربانو مقنی‌باشی



دانش آموزان قرار داد: «همسر این خانم بیشتر ساعت‌های روز سر کار است و خودش هم فقط یک دختر دارد. وقتی پیشنهاد مطرح کرد، قبول کردم. تنها شرط من این بود که والدین رضایت داشته باشند و بچه‌ها با رضایت نامه در کلاس حاضر شوند.»

وجدانم اجازه نمی‌دهد!

شهربانو خانم با وجود زانو درد و توصیه پزشک مبنی بر پرهیز از بالا رفتن از پله‌ها به دلیل پارگی مینیسک، سه روز در هفته به منزل این دانش آموز می‌رود تا دو ساعت به دانش آموزانش درس بدهد؛ «پاهایم درد می‌گیرد، اما وجدانم اجازه نمی‌دهد بچه‌ها را به حال خودشان رها کنم. روز اول از ۳۴ دانش آموز کلاس فقط یازده نفر آمده بودند و برای بقیه به صورت آنلاین درس دادم، اما از چند روز بعد تعداد دانش آموزان بیشتر شد.»

در هفته آخر، تعداد دانش آموزانی که در این کلاس خانگی حضور پیدا می‌کردند به ۲۷ نفر رسید. به گفته این معلم، بیشتر غایبان، یا چند فرزند دانش آموز دارند یا مسیر منزلشان تا محل برگزاری کلاس طولانی است. شهربانو خانم تخته کوچکی دارد که آن را به دیوار تکیه می‌دهد و کلاس درست شبیه روزهای مدرسه آغاز می‌شود. بچه‌ها دور هم می‌نشینند، سؤال می‌پرسند و پای تخته می‌آیند. اومی گوید: «ریاضی درسی نیست که فقط با فیلم و جزوه، آموخته شود. بچه‌ها باید تمرین کنند، سؤال بپرسند و اشکالشان همان لحظه برطرف شود.»

این فرهنگی بازنشسته می‌گوید: همه دانش آموزان امکان استفاده مداوم از اینترنت ندارند. بعضی خانواده‌ها چند فرزند دانش آموز دارند و تهیه بسته‌های اینترنتی برایشان هزینه بر است. بعضی‌ها هم اینترنت مناسبی در اختیار ندارند و بخشی از کلاس را از دست می‌دهند. دلم نمی‌خواست شرایط اقتصادی خانواده‌ها باعث شود بچه‌ها از درس عقب بمانند. اومی گوید خستگی راه و درد زانو در برابر نگرانی‌اش برای دانش آموزان اهمیت چندانی ندارد؛ «این بچه‌ها امانت خانواده‌هاست ما هستیم. اگر چند هفته از درس دور بمانند، جبران برایشان سخت می‌شود. در این شرایط، من فقط سعی کردم نگذارم آموزششان متوقف شود.»

شاید جلسات اول، برای دانش آموزان، این نوع آموزش عجیب بود؛ اینکه کلاس در فضای خانه برگزار می‌شود، اما به مرور با شرایط جدید کنار آمدند و حتی انگیزه بیشتری پیدا کردند. مقنی‌باشی می‌گوید همراهی خانواده‌ها نقش مهمی در ادامه این روند داشته است و اگر شرایط مشابهی پیش بیاید، او باز هم برای درس دادن حضوری به بچه‌ها آماده است؛ چون مهم‌تر از هر چیز این است که بچه‌ها از درس عقب نمانند.

ندارد و خوشحالم که توانستم قدم کوچکی برای یادگیری آن‌ها بردارم.

صادقی ادامه می‌دهد: خانم مقنی‌باشی معلمی دلسوز است که با جان و دل برای تدریس به بچه‌ها وقت می‌گذارد. بارها موقع تدریس مجازی می‌شنیدم که چطور درس زندگی به بچه‌ها می‌دهد. هنگامی که موضوع تدریس در خانه را با او مطرح کردیم، با روی باز قبول کرد و با اینکه خانه ما طبقه دوم است و او مشکل زانو درد دارد، بدون اینکه ذره‌ای سرزنش کند، از پله‌ها بالا می‌آید.

ارزمان زاده، این معلم را تحسین می‌کند و می‌افزاید: بعد از پایان سال تحصیلی نیز او گروهی را که در فضای مجازی درست کرده بود، تعطیل نکرد و تا شهریور ماه، هفته‌ای یک یا دو بار برای بچه‌ها نمونه سؤال و فیلم آموزشی می‌فرستاد تا با تمرین و تکرار، درس را فراموش نکنند.

که از صبح زود تا شب سرکار است و از طرفی ساختمانی که در آن زندگی می‌کنیم، خانوادگی و متعلق به خودمان است؛ بنابراین مادران برای حضور دخترانشان در منزل ما مشکلی نداشتند. او مبل‌های خانه را کنار کشیده است تا بچه‌ها راحت بنشینند. مهدیه خانم توضیح می‌دهد: برخی از مادران پیشنهاد می‌دادند باتوجه به شرایط که ما داریم، این مسئولیت را قبول نکنیم اما حضور بچه‌ها هیچ آزار و آذینی

تعطیل شد، مدام نگران بودم که یک بچه پایه اول، چطور می‌تواند از طریق مجازی باسواد شود. او ادامه می‌دهد: خانم مقنی‌باشی آن قدر خوب از طریق فضای مجازی با بچه‌ها کار می‌کرد که دلمان گرم شد. او حتی جشن الفبا را برای بچه‌ها در همین فضای مجازی برگزار کرد.



و سه سال مدیریت نهضت و بیست سال تدریس در مقطع ابتدایی، بازنشسته شد. دوسه ماهی در خانه استراحت کرد ولی دید نمی‌تواند از فضای آموزشی دور باشد و هر دو هفته به دوستانش و مدرسه سر می‌زند تا اینکه سال تحصیلی ۱۴۰۴ دوباره تصمیم گرفت به فضای آموزشی بازگردد.

وقتی خانه تبدیل به مدرسه شد

او که در دوران کرونا تجربه تدریس مجازی را پشت سر گذاشته بود، با تعطیلی چندباره مدارس به دلیل آلودگی هوا از ابتدای سال تحصیلی، کلاس‌هایش را در نرم افزار «شاد» برگزار می‌کرد. اما با آغاز جنگ تحمیلی سوم و اختلال در اینترنت، به این نتیجه رسید که ادامه این وضعیت به روند یادگیری دانش آموزان آسیب می‌زند و نمی‌توان برای مدت طولانی، آموزش را فقط به فضای مجازی سپرد.

شهربانو خانم می‌گوید: اول فکر کردیم می‌توانیم مثل قبل کلاس‌ها را به شکل مجازی ادامه دهیم، اما با طولانی شدن شرایط، دیدم بچه‌ها از درس عقب می‌مانند. باهماهنگی والدین، چند روزی در خود مدرسه کلاس برگزار کردیم، ولی به دلیل اتفاقی که برای بچه‌های میناب افتاده بود و بخشنامه آموزش و پرورش، امکان حضور در مدرسه وجود نداشت. همان موقع چند نفر از والدین پیشنهاد کردند اگر موافق باشیم، کلاس را در منزل یکی از آن‌ها برگزار کنیم.»

یکی از مادران که نماینده کلاس بود، خانه خود را برای این کار در اختیار



اهالی روستا حکم خانواده را داشتند

یک سال بعد، ازدواج کرد و چون همسرش نیز فرهنگی بود، هر دو در روستاهای اطراف شهرستان قائن برای تدریس ماندند؛ «برخلاف تصور همه که زندگی در روستا دوست ندارند، بهترین خاطرات من به دوران خدمت در روستا برمی‌گردد. موقعی که مهربانی روستایی‌ها و احترامی را که برای معلم قائل بودند، می‌دیدم، دلم نمی‌خواست آن‌ها را ترک کنم و به شهر بروم.»

شهربانو خانم که خاطرات آن روزها را مرور می‌کند، می‌گوید: در روستا برق، آب لوله‌کشی و بسیاری از امکانات رفاهی نبود اما محبت مردم، همه این کمبودها را جبران می‌کرد. اگر کسی مهمانی داشت، از مکه آمده بود یا عروسی و دامادی داشت، اول مارادعوت می‌کرد. کافی بود بفهمند ناخوش احوال هستیم؛ چندین بار در روز سر می‌زدند؛ غذای آوردند و همانند یک خانواده در کنار ما بودند.»

او تا سال ۹۱ و به مدت ۲۱ سال در روستاها خدمت کرد تا اینکه به شهرستان قائن رفت؛ «از همان دوران جوانی هر وقت به مشهد می‌آمدم، دلم می‌خواست همسایه امام رضا^(ع) باشم. چند بار با همسرم درخواست انتقالی به مشهد دادیم ولی موافقت نمی‌شد تا اینکه سال ۹۴ با درخواست هر دو موافقت شد و به آرزویمان رسیدیم.»

مهر سال ۱۴۰۳ بعد از هفت سال معاونت

یک خانه، یک کلاس

مهدیه صادقی، مادر حسانه نوری، نماینده اولیا و کسی است که خانه‌اش را در اختیار دانش آموزان قرار داده تا کلاس در سه هفته پایان سال تحصیلی به شکل حضوری برگزار شود. او با اینکه پنج ماهه باردار است، فضای خانه‌اش را برای حضور ۳۴ دختر بچه آماده کرده است. می‌گوید: شغل همسرم طوری است

آموزشی که متوقف نشد

دختر میترا ارزمان زاده، شش سال پیش، دانش آموز مقنی‌باشی بوده است. او از روزهای متفاوت درس خواندن دخترش در کرونا می‌گوید: سال ۹۸ دخترم کلاس اول بود. از اسفند آن سال که مدارس به دلیل شیوع بیماری کرونا

